



علم دینی جزء رسالت های اساسی دین نیست، ولی برای بشر لازم است

خسرو باقری در نشست «آسیب شناسی نظریه های علم دینی و اسلامی سازی معرفت» گفت: علم دینی وجود ضروری برای دین نیست زیرا علم دینی جزء رسالت های اساسی دین نیست ولی برای بشر لازم است.

خسرو باقری در نشست «آسیب شناسی نظریه های علم دینی و اسلامی سازی معرفت» گفت: علم دینی وجود ضروری برای دین نیست زیرا علم دینی جزء رسالت های اساسی دین نیست ولی برای بشر لازم است.

به گزارش خبرگزاری مهر، نشست «آسیب شناسی نظریه های علم دینی و اسلامی سازی معرفت» با ارائه دکتر خسرو باقری استاد دانشگاه تهران و نقد حسن عبدی عصر روز گذشته ۱۰ بهمن ماه در دفتر تهران جامعه المصطفی (ص) العالمیه برگزار شد.

خسرو باقری در این جلسه با بیان اینکه در این بحث علم را به معنای عام کلمه مورد بحث قرار نمی دهیم بلکه امور تجربی از نوع انسانی را مانند روانشناسی، جامعه شناسی و... مدنظر داریم، گفت: اگر علم تجربی را فعالیتی بدانیم که تابع مشاهده است و عینیت را برای اینکه انسان ها به واقعیت ها توجه داشته باشند در نظر بگیریم، منجر به جمع بندی می شود که به صورت دریافت های علمی بیان می شود. در این حالت علم دینی معنایی ندارد زیرا واقعیت ها تغذیه کننده علم هستند. اما دین مجموعه ای از باورهاست و در این وضعیت اگر علم را فعالیت مشاهده ای در نظر بگیریم، نمی توانیم برای دین نقشی در نظر بگیریم.

وی افزود: در ذیل باورها تلقی هایی از پدیده ها مطرح می شود در نتیجه علم تابعی از ایدئولوژی خواهد بود و در آن صورت می توان بر حسب رویکردهای ایدئولوژیک مختلف رویکردهای متفاوتی از علم داشته باشیم مانند علوم بورژوازی که با توجه به فضای جامعه ایجاد می شود و در خدمت آن دیدگاه خواهد بود. در اینجا جنبه عینی علم کاهش پیدا می کند و به نحوی تابعی از ایدئولوژی می شود و ویژگی عینیت را از دست می دهد. در این حالت شاید علم دینی معنایی پیدا کند بر فرض اینکه ما دین را در ردیف ایدئولوژی ها قرار دهیم، علم اسلامی هم خواهیم داشت اما رابطه این علوم با یکدیگر تبیینی خواهند بود زیرا ایدئولوژی ها رقیب سرسختی هستند و علومی که در دامن آنها متولد می شود دارای رابطه تبیینی هستند.

علم آمیزه ای از عینیت ها و ارزش ها

این استاد دانشگاه در ادامه سخنانش گفت: در زمینه علمی و رویکردهای مختلفی که قابل دفاع هستند، علم را آمیزه ای از عینیت ها و ارزش ها می دانم یعنی نه صرفا مشاهده ای است و نه ایدئولوژیک که هر کس بتواند برای خود علمی را ایجاد کند. با مرور کاوش هایی که درباره ماهیت علم از دیرزمان و در یک قرن اخیر تحت عنوان تلاش های فیلسوفانه علم انجام شده است، باید موضعی درباره علم اتخاذ کنیم و من معتقدم علم فعالیت ویژه ای است که سعی می کند عینیت را حفظ کرده اما نه به آن معنا که انسان تبدیل به آینه ای شود که فقط واقعیت ها را نشان دهد. پس انسان های دانشمند هستند که بر اساس ذهن خود دنیا را باید مشاهده کنند.

باقری بیان کرد: باید تلفیقی بین ارزش ها و باورهای فرهنگی از یک سو و مشاهده جهان از سوی دیگر ایجاد شود بطوریکه بخواهیم از پنجره ای به محوطه ای نگاه کنیم. پنجره ها مختلف هستند اما باید به محوطه بنگریم اما این مشاهده از پنجره ها به صورت های مختلف خواهد بود. در اینجا مفهومی از عینیت بوجود می آید که هم مشاهده و هم ارزش افراد در آن مطرح می شود پس به طور ضمنی این طور معنی می شود که انسان نمی تواند مدعی این شود که خارج از هر محدودیت می تواند واقعیت های جهان را ببیند.

وی با بیان اینکه انسان نمی تواند بدون دیدگاه و فارغ از هر محدودیت باشد، گفت: با این وجود ما همواره در یک منظر گرفتار می شویم و از آن منظر باید جهان را نظاره کنیم و این متفاوت از داستان سرایی است هرچند که این هم وابسته به فرهنگ است اما فرق داستان و علم در آزادی در بیان داستان سرایی و تخیلی و ذهنی بودن آن است اما علم در عین حال که وابسته به به فرهنگ است رو به جهان نگاه می کند و به همین دلیل عینیت رو به دنیا دارد.

باقری با اشاره به اینکه نوع تفسیرهایی که از دین مطرح می شود در تکوین علم دینی اهمیت دارد، گفت: عده ای می گویند دین مجموعه ای از زبانهای احساسی و به دور از معرفت است مانند مفهوم معراج که به معنای حرکت فیزیکی انسان به سمت بالا نیست. در این صورت اگر علم معرفت یاب باشد، علم و دین نمی توانند تلفیق موجهی از امر معرفتی و غیر معرفتی ایجاد کنند. اما اگر دین را مجموعه ای معرفتی بدانیم و یا دارای بخش معرفتی است دارای چند حالت خواهد شد: در اولین حالت

جنبه معرفتی دین را بسیار فراگیر بدانیم یعنی دین آینه ای تمام نما از واقعیات جهان به ما می دهد که من به این حالت رویکرد دایره المعارفی می گویم زیرا همه معرفت ها را به انسان ارائه دهد.

وی اضافه کرد: در جامعه ما این دیدگاه طرفدارانی دارد و معتقدند خاتمیت اسلام همه حقایق را بیان کند اما اینکه حقایق چگونه قابل دسترس باشند در ادامه مطرح می شود مثلاً باید مسلح به تفسیر شویم تا بطن های پیچیده قرآن را بکاویم و علمی را استخراج کنیم. در این صورت علم دینی تفسیری و هرمنوتیک می شود و ما با متونی روبرو می شویم که واجد همه معرفتی است و باید به تلاش تفسیری بپردازیم. اما من این رویکرد را قابل قبول نمی دانم زیرا خاتمیت باعث نمی شود که اسلام جامع همه علوم باشد یعنی استدلال از خاتمیت به جامعیت، انسان را قانع نمی کند.

استاد دانشگاه تهران با طرح این پرسش که هدف ما از علم دینی چیست، گفت: اگر قرار باشد علم در نهانگاه های پیچیده ای پنهان شود و ما منتظر امام زمان (ع) باشیم تا آن علوم را برای ما آشکار کند، فاصله زمانی تا ظهور او را چگونه باید طی کنیم. ما هر روز از علوم با توجه به نیازهای خود استفاده می کنیم و موکول کردن علوم تا زمان ظهور امری شبه محال است.

باقری تصریح کرد: تصور دیگری که از دین وجود دارد قائل شدن جنبه معرفتی برای آن است نه فراگیر بودن یعنی جنبه معرفتی که با رسالت دین ملازم داشته باشد. اگر دین انسان را به سمت خداوند هدایت می کند نیازمند وجود معرفت است مثلاً خدا باید شناخته شود به طوری که معرفی خدا در متون دینی واجب و ضروری است به همین علت در قرآن کلمه الله زیاد آورده شده است یا اینکه انسان از نظر فردی و اجتماعی چه موجودیتی دارد و به کدام سمت باید حرکت کند.

وی در ادامه گفت: چنین معرفت هایی که از لوازم اساسی رسالت دین است می تواند در دین وجود داشته باشد اما در عین حال لزومی به پرداختن معرفتهایی که با این امر تناسب دور دارد، وجود ندارد. در این صورت علم دینی چه وضعی خواهد داشت؟ این مشروط به آن است که معرفت های لازم در دین با زمینه هایی که علم باید بر آن تکیه کند، چه مناسبت هایی دارند؟ اگر این دو با یکدیگر همگرایی داشته باشند، امر دینی می تواند در علم ورزی نقش بازی کند زیرا شکل دو منظوره می گیرد. در این صورت بخش معرفتی دین دارای کارکرد اساسی می شود و علم هم می تواند از پنجره معرفتی به جهان تجربی نگاه کند و علم ورزی داشته باشد.

باقری با بیان اینکه می توان از علم و دین تصویری داشت که این دو با یکدیگر ملازم داشته باشند، گفت: علم تلاش بشری با اتکا به سرمایه های فکری، فرهنگی و ارزشی برای تلاش عینیت و اتخاذ پنجره برای دیدن جهان است. پس علم در عین حال که جنبه عینیت دارد با مسائل فکری و فرهنگی ارتباط دارد اما به همان میزان می تواند محدودیت برای ما عینیت ایجاد کند.

وی در ادامه اظهار داشت: به همین دلیل رقابت بین نظریه های علمی از لحاظ مبانی فلسفی مطرح می شود یعنی نظریه ها با توجه به پشتوانه پیش فرض های فیزیکی پنجره بزرگتری برای دیدن انتخاب می کنند. اگر دین را مجموعه ای دارای بخش های معرفتی ویژه بدانیم که در صورت ملاقات با زمینه های مورد نیاز علم، بستری برای رویش علم دینی ایجاد می کند.

علم دینی وجود ضروری برای دین نیست

به گفته باقری علم دینی دارای اسم مرکب است زیرا از یک تصویری راجع به علم و تصویری راجع به دین متولد می شود. در این بیان علم دینی وجود ضروری برای دین نیست زیرا علم دینی جزء رسالت های اساسی دین نیست ولی برای بشر لازم است ولی این علم می تواند از بسترهایی همچون دین استفاده کند. در صورتی که زمینه مشترک را در اختیار بگذارد. دین هرگز با این مدعا نیامده تا مشکلات جامعه را حل کند و پیامبران هرگز مورد این سؤالات واقع نشدند.

رئیس انجمن فلسفه تعلیم و تربیت با بیان اینکه یکی از پاشنه های آشیل علم دینی قرار گرفتن تجربه در معرض ابطال است، گفت: علم دینی چگونه می تواند تن به ابطال دهد درحالیکه دین دارای جنبه های وحیانی است؟ در پاسخ باید گفت سخنان دین از نوع سخنان علمی نیست و نمی توان آن را رد یا اثبات کرد، چون جنس معرفت دینی تجربی نیست و با تجربه ابطال نخواهد شد.

وی در پایان سخنانش گفت: پیش فرض های فلسفی هر نظریه علمی قابل ابطال تجربی و قابل اثبات تجربی نیستند. بلکه اخذ می شوند و ما علم را بر آن اساس بنا می کنیم اما مساله ای که در اینجا مطرح می شود این است که فضا برای ساختن خانه علم بر این زمین مناسب است یا خیر؟ دین برای اینکه علم را بر اساس آن بنا کنیم، نیامده است پس اگر به این نتیجه برسیم که نمی توان علم دینی را بوجود آورد، مشکلی برای دین پیش نخواهد آمد.

حسن عیدی که در این نشست به عنوان منتقد حضور داشت، طی سخنانی در نقد خسرو باقری گفت: آقای باقری در ابتدا به مفهوم‌شناسی و سپس به اصول و مبانی پرداخت و در نهایت نتیجه بحث خود را مطرح کرد. وی دیدگاه‌های خود را در خلا مطرح نکرد زیرا به نظریه‌های مختلف که درباره علم دینی مطرح شده، اشراف دارد.

وی افزود: آقای باقری تعاریف مختلفی از دین بیان کرد و از نگاه او این طور می‌توان تلقی کرد که دین مجموعه‌ای از متون نقلی است اما چنین تعریفی از دین را به کجا می‌توان مستند کرد؟! یا اینکه مقصود این است که با واکنش در متون دینی چنین معنایی استخراج شده است و تلقی رایج چهار منبع سنت، اجماع، کتاب و عقل را برای دین مطرح می‌کند. در این صورت انحصار دین به نقل چه وجهی خواهد داشت؟

عبدی ادامه داد: آقای باقری منظور از علم را همان علم انسانی تجربی می‌داند اما آیا علم انسانی تجربی از سایر انواع و اقسام علم جداست یا پیوندی میان این دو وجود دارد؟ مطالعه آثار استاد نشان می‌دهد که میان این سنخ علوم درهم آمیختگی وجود دارد که این درهم آمیختگی ابهام‌زا است. انتظار می‌رود موضع نظریه در خصوص مواردی چون انسجام‌گرایی و مبنای‌گرایی روشن باشد.

وی ادامه داد: معرفت تجربی چه نسبتی با معرفت عقلی دارد؟ اگر نظریه‌ای کامل باشد انتظار می‌رود که موضع خود را در برابر نظریات مختلف بیان کند و اگر قائل باشیم که علوم تجربی از نوع مبنای‌گرایی پیروی می‌کند، صفحه جدیدی از بحث مطرح می‌شود و این حرف درهم آمیختگی نیست.

عبدی در ادامه گفت: ما نباید نسبت به گزاره‌های عقلی صرفاً به عنوان پیش فرض‌هایی که نه اثبات و نه ابطال می‌شوند، بنگریم بلکه باید آنها را داوری کنیم. ما گزاره‌های عقلی را نباید ارزیابی‌ناپذیر بدانیم، در این صورت تنها گزاره‌های عقلی درست و مطابق واقع مبنای علم است.

وی در بیان ابهام سوم خود از گفته‌های خسرو باقری گفت: استاد نگاه برون دینی را مبنای کار خود قرار داده و استناد به آیات و روایات ندارد اما می‌توان به علم دینی رجوع کرد و اگر علم دینی در هدایت تاثیرگذار باشد، در این صورت علم دینی مفید خواهد بود و ما خود را ملزم خواهیم دانست که به سراغ دین برویم که خود دین در این باره چه می‌گوید. طب النبی(ص) و طب الصادق(ع) از این دست است. این طب در حقیقت می‌خواهد بعدی از ابعاد انسان را زیاد کند و چون به هدایت ربط دارد بیان شده است و جزو وظایف دین بوده و نمی‌توان گفت از آثار جانبی مثبت دین است.

وی اضافه کرد: اگر هر فرد چشم انداز خود را داشته باشد و از آن به جهان بنگرد و اگر این گزاره در نظریه علمی مطرح شود، دو سوال طرح می‌شود: اینکه آیا این یک گزاره نیست؟ دوم اینکه ما به تعداد افراد نظریه و نگاه داریم که در این صورت ما به تعداد افراد علم دینی خواهیم داشت. در این حالت چگونه علم دینی می‌تواند ما را به عینیت برساند که در این وضعیت چیزی جز نسبیت در اختیار ما قرار نمی‌گیرد.

دین همان متون نقلی است

خسرو باقری در جواب انتقادات مطرح شده گفت: اینکه دین جزو متون نقلی است یا عقلی؟ باید گفت دین همان متون نقلی و رایج‌ترین مفهوم از دین است. کتاب، سنت و عقل و اجماع منابع دین هستند یعنی کتاب و سنت محور و عقل و اجماع کاشف آنها هستند. عقل باید تشخیص دهد از نظر اسلام عقل ابزاری برای تشخیص حکم خدا است.

وی اضافه کرد: در بعضی از روایات کتاب پیامبران حجت بیرونی و عقل حجت درونی عنوان شده است و این که عقل و نقل در کنار یکدیگر قرار گیرد بسیار رایج بوده است.

باقری افزود: اگر دین واجد عقل هم باشد و عقل در عرض متون باشد در این صورت داوری دینی تسلسل خواهد داشت. اولاً روایات طب النبی و طب الرضا محکم و درست نیستند. من می‌گویم اگر اینها سخنان علمی هستند باید به بیمار پاسخگو باشند اما احادیث کار پزشکی نمی‌کنند و شاید ابطال‌پذیر باشند که در این صورت آتشی به دامن دین می‌افتد. امروز طب النبی قطره‌ای در دانش پزشکی امروز است و اگر چند روایت قدیمی را جزو اسلام بدانیم، کاری به جز توهین به اسلام نکرده ایم.

قرآن در مقام بحث دقیق علمی وارد نمی‌شود

وی ادامه داد: قرآن درباره امور تجربی برای فهم عمومی سخن می‌گوید. مثلاً قرآن درباره تاریخ به وضعیت قوم عاد و ثمود می‌پردازد.

پردازد و می خواهد بگوید قومی که راه باطل می رود در نهایت شکست می خورد. قرآن در مقام بحث دقیق علمی وارد نمی شود و دارای اجمال زیادی است.

این استاد دانشگاه در ادامه پاسخگویی به انتقادات گفت: اگر هر فرد از منظری به جهان بنگرد به این معناست که هر گوینده یک منظر دارد؟ در حالی که این طور نیست که به تعداد افراد منظر وجود داشته باشد. منظر شامل قوم های مختلف مسلمان، مسیحی، یهودی و ... می شود که هر کدام جهان را به نوعی می بینند. همه نظریات این گونه شکل گرفته اند که هر قومی به تدریج نظریه ای را ایجاد کرده است.

باقری در پایان سخنانش گفت: علم نیز از مناظر محدود بیان شده و شکل می گیرد. میزانی از تکثر و نسبیت برای پیشرفت علم لازم است. از این تکثر نباید ترسید زیرا به معنای نسبیت گرایی بد نیست و تلاشی برای رسیدن به حقیقت است. مثلاً از قرآن تفاسیر مختلفی وجود دارد و در آینده هم تفاسیر جدید خواهد آمد و این اشکالی برای قرآن به وجود نمی آورد. همچنین اشکالی وجود ندارد که چند علم دینی وجود داشته باشد، همان طور که ما چند مکتب فقهی داریم.